Original Article | Athar. 2019; 40 (1): 36-54

Athar – ISSN: 2538-1830

# Comparative Analysis of Gilgamesh Images in the Artworks of Jiroft Soapstone and Lorestan Bronze

**Behzad Gilani [1*], Farzaneh Farrokhfar [2]**

1. MA in Illustration, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran
2. Assistant Professor, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran

*Article Info*

**Original Article**

Received: 2018/09/21;
Accepted: 2019/01/5;
Published Online 2019/03/30

10.30699/athar.40.1.36

**Use your device to scan and read the article online**

**Corresponding Author**
**Behzad Gilani**
MA in Illustration, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran

**Email:**
Gilanibehzad91@yahoo.com

## ABSTRACT

Gilgamesh is the oldest epic poem in the world, one of the most popular heroes of Mesopotamia and the semi-celestial kingdom of the second millennium BC in Mesopotamia. The image of this legendary king, after showing its power in Sumer, became one of the gods in Ilam and was accepted in other parts of Iran such as Lorestan. Apart from these basins, the new discoveries of the Jiroft Halilrud and the discovery of traces of soapstone engraved on Gilgamesh, which is more than five thousand years old, return the presence of this legend to an earlier period. The significance of the discoveries of this ancient region is due to the discovery of soapstone, which testify to the cultural connection between the two regions of Lorestan and Jiroft over a period of several millennia. Despite the importance of this issue, identifying the visual relationship between the role of Gilgamesh on the works of Jiroft and Lorestan in order to explore the common intellectual heritage between the two rich ancient regions in Iran, has received less attention. For this purpose, the research question is formed on the basis of: What is the connection between the role of Gilgamesh in the Soapstone works of Jiroft and the bronzes of Lorestan? And what are its distinguishing features?

The general results of the research showed that in terms of structure and content between the role of Gilgamesh in the two civilizations of Jiroft and Lorestan, there is a close relationship that shows a common knowledge of the myth of Gilgamesh and has been present in their lives and beliefs. The role of Gilgamesh in two civilizations is in the form of a horned man and a combination of animals with open arms and a symmetrical and balanced combination. The distinguishing features of the two regions show the logical and emotional approach of their artists. In the Jiroft soapstone, Gilgamesh has a serious, mythical and powerful, extroverted and idealistic state, but in the primitive Lorestan Bronze, images of Gilgamesh are expressive, imaginary, surprised and smiling, disturbed, introverted, skinny and religious. The representation of the figure of Gilgamesh in the two ancient civilizations of Jiroft and Lorestan, is irrigated by a single intellectual and cultural source that shows many similarities despite the differences in the method of representation.

**Keywords:** Gilgamesh, Jiroft soapstone, Lorestan bronze

Copyright © 2019. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

**How to Cite This Article:**

Gilani B, Farrokhfar F. Comparative Analysis of Gilgamesh Images in the Artworks of Jiroft Soapstone and Lorestan Bronze. Athar. 2019; 40 (1) :35-53

فصلنامه علمی اثر - ۱۸۳۰-۲۵۳۸ - سال ۴۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸

مقالهٔ پژوهشی

# تحلیل تطبیقی نقش گیل‌گمش در آثار سنگ صابونی جیرفت و مفرغ‌های لرستان

بهزاد گیلانی*[۱]،فرزانه فرخ‌فر[۲]

۱. کارشناس ارشد تصویرسازی، دانشکدهٔ هنر، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران
۲. استادیار، دانشکدهٔ هنر، دانشگاه نیشابور، ایران

*اطلاعات مقاله*

**دریافت:** ۱۳۹۷/۰۶/۳۰
**پذیرش:** ۱۳۹۷/۱۰/۱۵
**انتشار آنلاین:** ۱۳۹۸/۰۱/۱۰

**نویسندهٔ مسئول:**
**بهزاد گیلانی**
کارشناس ارشد تصویرسازی، دانشکدهٔ هنر، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران

**پست الکترونیک:**
Gilanibehzad91@yahoo.com

*خلاصه*

گیل‌گمش پادشاهی نیمه‌آسمانی مربوط به هزارهٔ دوم ق.م در بین‌النهرین است. این پادشاه افسانه‌ای یکی از اساطیر محبوب فلات ایران بوده که شکل او بر مفرغ‌های لرستان مربوط به هزارهٔ دوم و اول ق.م در حال حمایت، کشتن یا رام‌کردن حیوانات نقش بسته است. کشفیات جدید جیرفت، حضور افسانهٔ گیل‌گمش را به دورانی بسیار پیش‌تر مربوط می‌کند. اهمیت کشفیات این منطقهٔ باستانی، به‌دلیل یافتن سفالینه‌ها و سنگ‌های صابونی است که قدمتی بیش از پنج هزار سال ق.م دارند و نشان‌دهندهٔ ارتباط فرهنگی میان دو منطقهٔ لرستان و جیرفت در فاصلهٔ زمانی چند هزاره هستند. با وجود اهمیت این موضوع، شناسایی رابطهٔ تجسمی میان نقش گیل‌گمش بر آثار جیرفت و لرستان به‌منظور کشف میراث فکری مشترک میان دو منطقهٔ باستانی غنی در ایران، کمتر مدنظر قرار گرفته است؛ بدین‌منظور مسئلهٔ تحقیق بر این اساس شکل می‌گیرد که چه ارتباطی میان نقش گیل‌گمش در آثارسنگ صابونی جیرفت و مفرغ‌های لرستان وجود دارد و وجوه تمایز آنها چیست؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شباهت‌های فرمی نقش گیل‌گمش در حالت‌های مبارزه و مهربانی با حیوانات در آثار دو گروه وجود دارد که می‌تواند گواهی بر ریشه‌های فرهنگی مشترک دو منطقه باشد. این پژوهش براساس روش تحلیلی تطبیقی انجام شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نقش گیل‌گمش، بین‌النهرین، سنگ صابون، جیرفت، مفرغ‌های لرستان

**حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهینامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.**

## مقدمه

گیل‌گمش قدیمی‌ترین منظومهٔ حماسی جهان و از محبوب‌ترین پهلوانان بین‌النهرین است که به دلیل دلاوری در مبارزه و استیلا بر امور شگفت‌آور، از دیگر اسطوره‌ها و پهلوانان برتر بوده است. منشأ نقش این پهلوان اسطوره‌ای بر آثار هنری ایران از جمله مفرغ‌های لرستان را باید در هنر بین‌النهرین جست‌وجو کرد. نقش گیل‌گمش، فاتح غولان و حامی انسان و حیوان است که پس از قدرت‌نمایی در سومر، در ایلام نیز جزء خدایان درآمده و در سایر نواحی ایران مانند لرستان پذیرفته شده است. در آثار مفرغی لرستان از هزارهٔ دوم تا هزارهٔ اول ق.م، این پهلوان با بدنی لخت و کمربندی بر کمر و کلاهی شاخ‌دار بر سر و دامن ترسیم شده که به رام‌کردن شیر، مار، بز و دیوها مشغول است. غیر از این دو حوزه، کشفیات جدید حوزهٔ هلیل‌رود جیرفت و پیداشدن آثار سنگ صابونی منقش به گیل‌گمش که قدمتی بیش از پنج هزار سال دارد، حضور این افسانه را به دورانی پیش‌تر باز می‌گرداند. با توجه به پیشینهٔ حضور افسانهٔ گیل‌گمش در دو منطقهٔ جیرفت و لرستان و کاربرد آن در نقش‌اندازی آثار سنگ صابونی و مفرغین، این مسئله مطرح می‌شود که چه اشتراکات و تفاوت‌هایی میان شیوهٔ بازنمایی نقش گیل‌گمش در این آثار وجود دارد؟ پژوهش حاضر با بررسی و تحلیل آثار منقوش جیرفت و لرستان، کیفیت نقش گیل‌گمش را شناسایی و مقایسه کرده است. از آنجا که پژوهشی در زمینهٔ تطبیق نقش گیل‌گمش در این دو منطقهٔ باستانی ایران صورت نگرفته، انجام این پژوهش ضروری بوده است.

## پیشینهٔ پژوهش

بررسی آثار سنگ صابونی جیرفت و مفرغ‌های لرستان از زمان کشف تاکنون همواره مدنظر نظریه‌پردازان قرار داشته است. مهم‌ترین این منابع عبارت‌اند از: «باستان‌شناسی ساغرهای مفرغی لرستان»(معصومی، ۱۳۴۸)و «اشیای مفرغی لرستان» (علایی، ۱۳۴۵) که به معرفی و بررسی برخی از مفرغ‌های لرستان می‌پردازند. «جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق» به اهمیت و پیشینهٔ منطقهٔ جیرفت و تحلیل تصاویر سنگی و سفالی کشف‌شده در تمدن جیرفت اشاره می‌کند (مجیدزاده، ۱۳۸۲). پیران (۱۳۹۲) نیز در کتاب «آثار گنجینهٔ جیرفت» تصاویر آثار سنگ صابونی جیرفت را گردآوری کرده است. مجموعه مقالات «باستان‌شناسی حوزهٔ هلیل‌رود جیرفت» به معرفی تمدن جیرفت می‌پردازد (مجیدزاده و میری، ۱۳۹۲). کتاب «افسانهٔ گیل‌گمش» نیز براساس ترجمهٔ آلمانی بورکهارت و نسخهٔ میخی اسمیت، اطلاعاتی دربارهٔ افسانهٔ گیل‌گمش ارائه می‌دهد (اسمیت، ترجمهٔ منشی‌زاده، ۱۳۸۳). همایون فرخ (۱۳۴۶)درمقالهٔ «ایران مهد تمدن جهان» معتقد است که گیل‌گمش شاهی ایرانی است و خود این نظریه را اثبات می‌کند. «کاوشی در سرچشمه‌های نخستین حماسهٔ گیل‌گمش»، با گمانه‌های باستانی، به خاستگاه سومری حماسهٔ گیل‌گمش توجه می‌کند (یوسفیان کناری و طاووسی، ۱۳۸۸).

در جمع‌بندی منابع موجود دربارهٔ«مطالعهٔ تطبیقی نقش‌گیل‌گمش در لرستان و آثار سنگ صابونی جیرفت» هیچ پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ از این‌رو پژوهش حاضر مبحثی جدید را در حوزهٔ ارتباطات فرهنگی دو منطقهٔ باستانی لرستان و جیرفت با تمرکز بر کاربرد نقش گیل‌گمش در آثار مکشوفهٔ سنگ صابونی و مفرغین بیان می‌کند.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادین است و در دستهٔ پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. روش پژوهش نیز در بخش‌های آغازین پژوهش، براساس مطالعات توصیفی-تاریخی به پیشینهٔ گیل‌گمش در تمدن بین‌النهرین و گمانه‌های باستان‌شناختی آن در سرزمین ایران اشاره می‌کند. پس از آن، از روش تحلیلی در شناسایی کیفیت نقش گیل‌گمش در آثار سنگ صابونی جیرفت و مفرغینه‌های لرستان و از روش تطبیقی در قیاس بین آثار دو گروه استفاده شده است.

### مبانی نظری پژوهش

**گیل‌گمش:** افسانهٔ تاریخی گیل‌گمش که از «دوازده لوح آکدی در هزارهٔ دوم و اول قبل از میلاد گرفته شده، روایت بلند و استادانه‌ای است که از زندگی گیل‌گمش شهریار سومری شهر اوروک سخن گفته است»(گری، ۱۳۷۸، ص. ۶۳). حماسه بدین‌گونه خلق شده که مردم از دست شرارت‌های گیل‌گمش خشمگین شده بودند؛ به همین دلیل، ایزدان برای اینکه درسی به او آموخته باشند، باشنده‌ای وحشی به نام انکیدو را خلق می‌کنند و او را به جنگ گیل‌گمش می‌فرستند. انکیدو به دیدار گیل‌گمش می‌رود. آن دو اول با هم کشتی می‌گیرند و انکیدو برنده می‌شود. پس از آن، دو پهلوان یار و شفیق یکدیگر می‌شوند (داتی، ۱۳۹۲، ص. ۳۵). این پهلوان (گیل‌گمش)«فرزند لوگل بندهٔ یکی از کاهنان بلندمرتبهٔ کول آب (بخشی از اوروک) و پهلوانی نیمه‌الهی است»(مک‌کال، ۱۳۷۳، ص. ۵۱). همچنین شخصیت اصلی اسطورهٔ گیل‌گمش است که از سوی کاتبان سومری نگاشته شده و «مربوط به هزارهٔ دوم و اول ق.م است»(گری، ۱۳۷۸، ص. ۶۳). «گیل‌گمش پادشاه دانایی بود که همهٔ سرزمین‌های گیتی را می‌شناخت. او به ژرفای رمزها پی برده بود و رازهای نهان را درمی‌یافت. دو سوم هستی او ایزدی و یک سوم مردی آفریده شده بود.« نام گیل‌گمش ترکیبی کهن و باستانی از بیل-گا-مش، یعنی پیرمرد، کهن، قدیمی و نیرومند است»(بلان، ۱۳۸۴، ص. ۱۰).

**منطقهٔ باستانی جیرفت:** جیرفت در استان کرمان و در جنوب شرق ایران قرار گرفته است. این شهرستان از شرق به استان سیستان بلوچستان و از جنوب به هرمزگان می‌رسد. جیرفت منطقه‌ای معتدل با قله‌های مرتفع و دشت‌های وسیع است که در هزارهٔ سوم ق.م در غرب با تمدن‌های ایلام و بین‌النهرین و شرق باستان ارتباط داشته است (رفیع‌فر، ۱۳۸۲، ص. ۱۹۹). این تمدن یکی از حوزه‌های مهم فرهنگی است که به نام مرهشی یا ارت با سومریان ارتباط داشته است. مشهورترین نحوهٔ بیان هنری این منطقه، ساخت اشیاء از سنگ صابون و کلریت است که با طرح‌های هندسی و نقش‌مایه‌های پهلوانان به نمایش درآمده است. قدمت این آثار به بیش از ۵ هزار سال قبل می‌رسد (مجیدزاده و میری، ۱۳۹۲، ص. ۳۵).

**منطقهٔ باستانی لرستان:** لرستان منطقه‌ای کوهستانی در شرق درهٔ بین‌النهرین است و اقوامی مانند کاسیان، مادها و دیگر قبایل چادرنشین در آن سکونت داشته‌اند. این منطقه

زادگاه صنعت مفرغ‌گری بود که در سده‌های هشتم و هفتم ق.م به عالی‌ترین مراحل خود رسیده است (گاردنر، ۱۳۹۱، ص. ۶۹). سه قوم باستانی منطقهٔ لرستان، به‌ترتیب اهمیت و حضورشان در منطقه عبارت‌اند از:

۱. **کاسی‌ها:** این قوم ازآغاز هزارهٔ سوم ق. م در لرستان حضورداشته‌اند که پس از تشکیل امپراتوری هخامنشی از قوه و قدرت آنها کاسته شد و صنعتشان از بین رفت و جز نامی از آنها باقی نماند (کریمی، ۱۳۵۵، ص.۳۵۵-۳۶۱).

۲. **سیمری‌ها (کیمری‌ها):** از اقوام مهاجر کوه‌های قفقاز بودند که به آشور روی آوردند و در دو طرف دماغه‌های کرچ زندگی می‌کردند. آنها جام‌های گود، دسته‌دار و کمربندهای منحنی شکل را به لرستان آوردند (کالیکان، ۱۳۸۴، ص.۱۱-۱۳).

**هوری‌ها:** «اقوامی خمیده قامت از نژاد هند و ایرانی و رمه‌دار، خانه به دوش و پرورش‌دهندهٔ اسب که از دریاچهٔ وان تا ارومیه و زاگرس مسکن داشتند»(القاصی، ۱۳۹۱، ص. ۸۰).

## بحث و یافته‌ها

### نقش گیل‌گمش در آثار سنگ صابونی جیرفت

در بسیاری از آثار سنگی جیرفت نقشی از نبرد پهلوانی موجود است که با حیوانات مختلف می‌جنگد. این پهلوان در میان نظریه‌پردازان به گیل‌گمش معروف است. در شکل ۱ پهلوان به‌صورت انسان-گاو در میان شیرها قرار گرفته است. شیرها چنگ بر کمر پهلوان انداخته و پوزهٔ خود را بر پشت دستان او پنهان کرده‌اند. این نقش معروف انسان-گاو شباهت بسیاری به آثار بین‌النهرین دارد (شکل ۲) و در هنر آشور و ایران نیز به‌عنوان «نگهبان و دافع شر شناخته شده است»(کوپر، ۱۳۷۹، ص. ۳۰۲). در نمونه‌ای دیگر از یک ظرف استوانه‌ای در موزهٔ هرندی کرمان نقش شیر-انسانی موجود است که آشکارا بر عقرب- انسان مسلط است (شکل ۳). نقش انسان-شیر نمادی از قدرت و پادشاهی است. این نقش آشکار می‌کند که در اسطوره‌شناسی مردمانی که در عصر مفرغ در حوزهٔ هلیل‌رود زندگی می‌کردند، چهره‌های حماسی از هر دو نوع انسان و موجود فوق طبیعی وجود داشته و نیروهای طبیعی و فوق طبیعی را در کنترل خویش داشتند (مجیدزاده و میری، ۱۳۹۲، ص. ۳۷). «حماسهٔ بین‌النهرین کهن، گیل‌گمش، مرد عقرب‌نما را مشابه آنچه روی یکی از گلدان‌های سنگی جیرفت یافت شده، ترسیم می‌کند. باستان‌شناسان براین باورند که بخش‌هایی از روایت گیل‌گمش در جیرفت جریان دارد و چه‌بسا که خاستگاه نخستین آن متعلق به همین منطقه باشد»(یوسفیان‌کناری و طاووسی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵). نمونهٔ دیگر طرحی از یک انسان-گاو است که دم عقرب‌ها را گرفته و آویزان کرده و بر آنها مسلط است (شکل ۴). تصویر جیرفتی بدون شک با الهام از اسطورهٔ گیل‌گمش به خلق چنین آثاری دست زده است؛ برای مثال زمانی که گیل‌گمش به‌دنبال نامیرایی سر به بیابان می‌گذارد، در «مقابل خود دو غول نر و ماده می‌بیند که دروازهٔ کوه را پاس می‌دهند. پایین‌تنهٔ‌آنها کژدم و نگاه آنها مرگبار است»(اسمیت، ترجمهٔ منشی‌زاده، ۱۳۸۳، ص. ۷۳). نقش مار درحالی‌که توسط پهلوانی گرفته شده و نابود می‌شود، در تمدن جیرفت به‌وفورتصویرگری شده است (شکل ۵). «حضور مکرر مار در دو سوی نقش‌مایه‌های انسانی ظروف به‌دست‌آمده از منطقهٔ هلیل‌رود ایران، اشاراتی نمادین و اسطوره‌ای به حضور مانعی است که راه انسان طالب زندگی را می‌بندند. گیل‌گمش پهلوان سومری نیز خواستار جاودانگی و بی‌مرگی بود»(کناری و طاووسی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲). در اسطورهٔ گیل‌گمش «مار گیاه بی‌مرگی را از گیل‌گمش می‌رباید و این سبب بی‌مرگی و تجدید حیات مار می‌شود»(ناهوکو، ۱۳۵۸، ص. ۱۷). در شکل ۶ تکرار سر گاو از جنبهٔ بصری نشانهٔ اهمیت به پهلوان و قدرت اوست که مارها را کنترل می‌کند که این خود دلیل بر جاودانگی او دارد.

در شکل ۷، پهلوانی درمیان دو پلنگ تصویر شده است. در این نقش، سر پهلوان رو به بالا و سر حیوانات رو به پایین است. در نمونه‌ای دیگر از طرح سنگی پهلوانی است که دو گاو یا «دو جسمانهٔ جانبی را به‌سوی خود فراخوانده است»(مجیدزاده و میری، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۵). نوعی مهربانی و نوازش و دعوت به دوستی در این شکل احساس می‌شود. پهلوان، به آرامی گردن دو گاو را گرفته و آنها را اهلی می‌کند (شکل ۸).



شکل ۱. گیل‌گمش فرمانروای شیرها، سنگ صابون، جیرفت، هزارۀ سوم ق.م (URL1)



شکل ۲. نبرد انسان-گاو و شیر، مهر استوانه‌ای، اور، ۲۷۰۰ ق.م (گاردنر، ۱۳۹۱: ۵۴)



شکل ۳. انسان-شیر در حال کنترل انسان-عقرب‌ها، جیرفت، هزارۀ سوم ق.م (URL2)



شکل ۴. انسان-گاو در حال کنترل انسان-عقرب‌ها، جیرفت، هزارۀ سوم ق.م (پیران، ۱۳۹۲، ص. ۳۴)



شکل ۵. گیل‌گمش کنترل‌کنندهٔ مارها، جیرفت، هزارهٔ سوم ق.م (پیران، ۱۳۹۲، ص. ۳۷)



شکل ۶. گیل‌گمش کنترل‌کنندهٔ مارها، جیرفت، هزارهٔ سوم ق.م (پیران، ۱۳۹۲، ص.۴۳).



شکل ۷. گیل‌گمش ارباب پلنگ‌ها، سنگ صابون، جیرفت، هزارهٔ سوم ق.م (پیران، ۱۳۹۲، ص.۴۴)



شکل ۸. گیل‌گمش رام‌کنندهٔ گاوها، جیرفت، هزارهٔ سوم ق.م (مجیدزاده، ۱۳۸۲، ص. ۱۱)

## نقش گیل‌گمش در مفرغ‌های لرستان

«تصاویر متعدد گیل‌گمش، پهلوان افسانه‌ای ایلام که با انواع جانوران در جنگ است، هنر ویژهٔ بین‌النهرین است و در مفرغ‌های لرستان نیز دیده می‌شود»(معصومی، ۱۳۴۸، ص. ۲۷). آنچه مفرغ‌های لرستانی نامیده می‌شود مربوط به قبایل کاسی است. دانشمندان این آثار را به اواسط هزارهٔ دوم و آغاز هزارهٔ اول ق.م مربوط می‌دانند (دیاکونوف،۱۳۹۰، ص. ۱۲۷). یکی از نقوش پرتکرار در هنر مفرغ لرستان، نقش انسانی است که به گیل‌گمش معروف است. مهم‌ترین نقش، رب‌النوعی است که پروردگار حیوانات (پونتیاترون) نام دارد. این رب گاهی زن و گاهی مرد است که در هنر آسیای غربی به‌دنبال سنن هنری بین‌النهرین از هزاران سال پیش شناخته شده بود (گیرشمن، ۱۳۹۰، ص. ۴۶). همچنین این پهلوان «مظهر پهلوان بزرگ موهومی بوده است که در جلگه‌های بین‌النهرین به‌صورت نیم‌خدایی پرستش می‌شده، اما کاسی‌های لرستان او را تا مقام خدایی بالا برده‌اند»(علایی، ۱۳۴۵، ص. ۴۳). در شکل‌هایبرنزی لرستان «گیل‌گامش که با همه قسم جانوران در ستیز است، در موضوعات منقوش و در نشان‌های خانوادگی لرستان شناخته شده است»(گیرشمن، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۷). این آثار که با اشکال خیالی تزئین‌شده است،شامل انواع ابزار جنگ، بت‌ها و وسایل تزئینی‌است.

**لگام‌ها:** لگام به‌عنوان ابزار مفرغی کنترل‌کنندهٔ اسب‌های وحشی، محبوب ساکنان جنگجوی لرستان بود و هنرمندان با تصویرگری نقش پهلوان و حیوانات بر دو سوی لگام به این ابزار کاربردی معنا بخشیده و آن را به ابزاری آیینی تبدیل کردند. «ساکنان لرستان با قرار دادن لگام‌ها زیر سر مردگان، ورود روح آنان را به دنیای جاودان تأمین می‌کردند»(گیرشمن، ۱۳۹۰، ص.۶۰). در شکل‌های ۹ تا ۱۲، پهلوانی با ویژگی‌های یکسان در چهره پردازی همراه با شیرها، دیوها و بزها بر لگام اسب تصویر شده است. گیرشمن معتقد است «نقش پهلوان در میان

دو حیوان به‌صورت تمام‌رخنشان‌دهندهٔ احساس تماس مستقیم مؤمن با مقام الوهیت و قدرت الهی است.»(گیرشمن، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۵). مردمان لرستان، گیل‌گمش را به‌عنوان خداوند حامی گله‌های بز پذیرفتند و نقش او را همراه با بزها تصویر کردند تا جوهرهٔ نعمت‌ها را از خداوند برای آنها طلب کند.شکل ۱۳ نمونه‌ای از نقش موجود اسطوره‌ای ترکیبی و عجیب است؛ موجودی با سر انسان، بال پرنده، دم شیر و سم گاو که بخشی از یک لگام محسوب می‌شود. این نقش معروف به «ارباب حیوانات به‌صورت نشان برنزی متعلق به لرستان به شکل حیوانی با سر انسان تصویر شده است»(کورتیس، ۱۳۸۷، ص. ۵۵).

**تیردان‌ها:** روی یک لوح منقوش تیردان (شکل ۱۴) موجودی آدم‌سان نقش شده که با شیران می‌جنگد (گیل‌گمش پهلوان رام‌کنندهٔ حیوانات). نقوش حیوانی این تیردان حرکاتی انسانی دارد. این نقش‌مایه‌های نمادین را بیشتر می‌توان در آثار هنری بین‌النهرین و ایلام باستان دید (پاک‌باز، ۱۳۹۳، ص. ۱۵).

**بت‌ها:** مردمان لرستان باستان دارای مذهب و معتقد به خلق بت‌ها برای عبادت بودند. این بت‌هامعمولاً به شکل گیل‌گمشهستند که در طرفین آنها دو حیوان قرار گرفته‌اند (شکل ۱۵). گاهی اوقات گیل‌گمش با دو دست خود آنها را گرفته و مانند این است که حیوان نامبرده از روی شانه‌های وی بالا می‌رود. کاسیان این بت‌ها را بدون شک در معابد و مقابر برای تقدیم به خداوند قرار می‌دادند (کریمی، ۱۳۵۵، ص.۳۵۵-۳۶۱).در شکل ۱۶،به‌جای قرارگیری پهلوان در میان دو حیوان، تنها سر او متصل به یک میله است و دو شیر کوچک و نامشخص در پایین تصویرسازی شده است. روی سر پهلوان شاخ و کلاه دیده می‌شود «شاخ به‌عنوان مظهر قدرت و نیرو و کلاه در بین‌النهرین پوشش سر خدایان بوده و در طی دورهٔ سلسلهٔ کاسی‌ها پوشش سر آنو و انلیل است»(هال، ۱۳۹۰، ص. ۵۷).

**سرسنجاق‌ها:** مردمان لرستان باستان سرسنجاق‌ها را علاوه بر کاربرد تزئینی، برای «نذر در شکاف دیوار عبادتگاه قرار می‌دادند»(گیرشمن، ۱۳۹۰، ص.۵۲). روی یکی از سرسنجاق‌های مدور لرستان (شکل ۱۷) پهلوانی با چهره‌ای حیوانی (گربه‌سان) دو مار را با پشت دستان خود دور می‌کند. در این شکل «حالت چهره با دماغ بزرگ و لباس و کمربند و کفش و کلاه آن به سبک پوشش عشایر لرستان شبیه است»(Ghirshman,1950, P. 196).

حلقه و میله‌های برنزی: تنوع در ساخت آثار برنزی لرستان و موضوعات مختلف سبب شکل‌گیری سبک منحصربه‌فرد مفرغ لرستان شده است. پیکره‌ساز لرستانی به ساخت مجسمه‌های برنزی حیوانات علاقه‌مند بود. گاهی از نظر او این حیوانات مظاهر خدایان بودند و برای جلب حمایت آن خدایان این مجسمه‌های کوچک را به خود آویزان می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۹۰، ص.۵۸). روی یکی از حلقه‌های برنزی لرستان (شکل ۱۸) در سمت راست، نقشی از سر یک بز کوهی با شاخ‌های بزرگ تصویر شده که به دو سر دو پهلوان شاخ‌دار منتهی می‌شود. تکرار دو سر گیل‌گمش نشان‌دهندهٔ قدرت و اهمیت او و اتصال به آن در زیر حلقهٔ شاخ نشان یگانگی و دوستی گیل‌گمش و بز و محبوبیت و تقدس این حیوان نزد خدایان بوده است. در برخی موارد به شکل یک موجود ترکیبی انسان-بز تصویر شده است. در شکل ۱۹ روی یک میلهٔ برنزی نقش پهلوانی در میان دو بز حالتی دوستانه را نشان می‌دهد.



شکل ۹. گیل‌گمش، لگام اسب، قرن ۸ و ۷ ق.م موزهٔ بریتانیا(URL3)



شکل ۱۰. گیل‌گمش در حال ستیز با دیوها، لرستان، هزارهٔ اول ق.م، موزهٔ هنر لس‌آنجلس (URL4)



شکل ۱۱. گیل‌گمش رام‌کنندهٔ بزهای وحشی، لرستان، ۸۰۰ تا ۶۰۰ ق.م (URL5)



شکل ۱۲. گیل‌گمش حامی بزها، لرستان، ۶۵۰ تا ۱۰۰۰ ق.م، موزهٔ سان‌فرانسیسکو(URL6)



شکل ۱۳. لگام اسب، موجودی ترکیبی با سر گیل‌گمش، لرستان، هزارهٔ اول ق.م (URL7)



شکل ۱۴. بخشی از لوح منقوش روی تیردان، فرمانروای شیرها، سدهٔ یازدهم ق.م، مجموعهٔ هئرامانک (پاک‌باز، ۱۳۹۳، ص. ۱۵).



شکل ۱۵. گیل‌گمش فرمانروای شیرها، برنز لرستان، ۱۰۰۰ تا ۶۰۰ ق.م، موزهٔ کپنهاگ (URL6)



شکل ۱۶. بت با سر گیل‌گمش، قرن ۷ و ۸ ق.م، لرستان (URL9)



شکل ۱۷. گیل‌گمش کنترل‌کنندهٔ مارها، سرسنجاق متعلق به لرستان، حدود هزارهٔ اول و دوم ق.م (URL6)



شکل ۱۸. حلقهٔ برنزی با نقش بز و گیل‌گمش متعلق به لرستان، هزارهٔ اول ق.م (URL10)



شکل ۱۹. گیل‌گمش رام‌کنندهٔ بزها، لرستان، قرن ۷ و ۸ ق.م (URL 11)

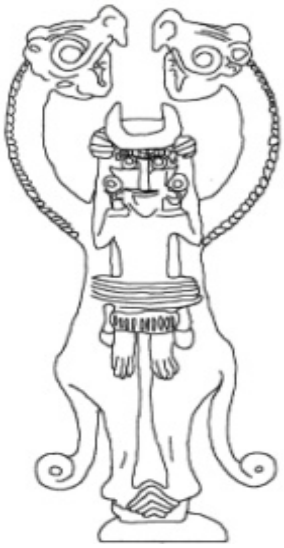
## بررسی تطبیقی نقش گیل‌گمش در آثار سنگ صابونی جیرفت و مفرغ‌های لرستان

این بخش به ارتباط میان نقش گیل‌گمش در آثارسنگ صابونی جیرفت و مفرغ‌های لرستان و وجوه تمایز آنها می‌پردازد. بدین‌منظور ابتدا جامعهٔ بررسی معرفی شده و سپس مبانی تحلیل برحسب ویژگی‌های کیفی نقوش مشخص شده است. بخش نهایی به‌کمک روش تحلیلی-تطبیقی به سنجش و قیاس آثار دو گروه پرداخته است.

**جامعهٔ بررسی:** در تمدن جیرفت نقش گیل‌گمش به‌عنوان فرمانروای شیرها، مارها، پلنگ‌ها، انسان-عقرب‌ها و رام‌کنندهٔ گاوها و در تمدن لرستان به‌عنوان فرمانروای شیرها، مارها، دیوها و رام‌کننده و حامی بزها شناخته شده است. گزینش نقش گیل‌گمش در آثار تمدن‌های جیرفت و لرستان، براساس ارتباط مفهومی، کیفیت تصویر و تنوع کاربست عناصر بصری صورت گرفته است. بر این مبنا، پنج اثر از آثار سنگ صابونی جیرفت و پنج اثر از آثار مفرغین لرستان که ویژگی‌های موضوعی و شخصیتی مشابهی دارند و موضوع آنها با الهام از نوشتار ادبی گیل‌گمش تصویرسازی شده، گزینش شدند (شکل‌های ۲۰- ۲۴).



A) جیرفت، محل نگهداری: مؤسسهٔ شرق‌شناسی شیکاگو (URL1)



B) لرستان، محل نگهداری: موزهٔ‌کپنهاگ (URL6)

**شکل ۲۰. گیل‌گمش در نقش فرمانروای شیرها**



A) جیرفت، محل نگهداری: موزهٔ ملی ایران (پیران،۱۳۹۲، ص. ۳۷)



B) لرستان، محل نگهداری: موزهٔ ملی ایران (URL6)

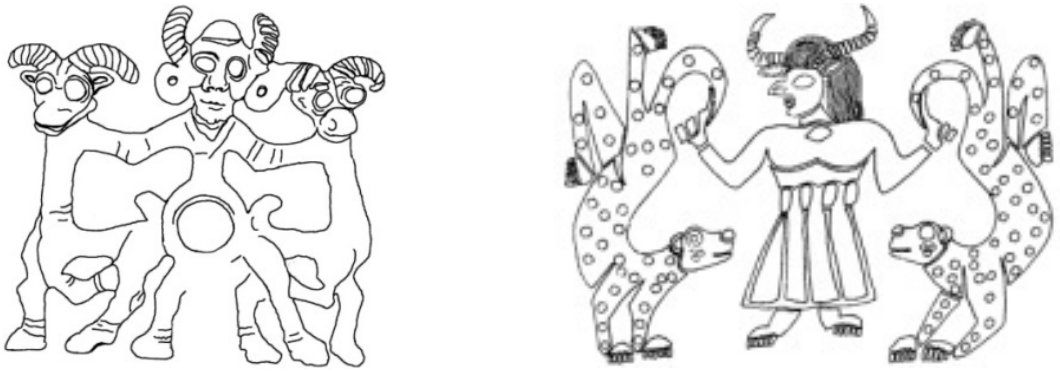
**شکل ۲۱. گیل‌گمش در نقش کنترل‌کنندهٔ مارها**



A) جیرفت، محل نگهداری: موزهٔ ملی ایران (پیران، ۱۳۹۲، ص. ۳۴)

B) لرستان، محل نگهداری: گالری عناویان (URL4)

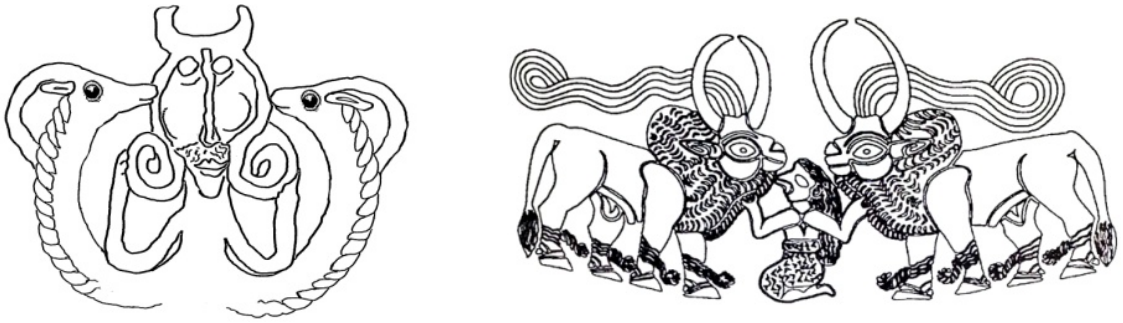
**شکل ۲۲. گیل‌گمش در نقش کنترل‌کنندهٔ عقرب‌ها/ دیوها**



A) جیرفت، محل نگهداری: موزهٔ ملی ایران (پیران، ۱۳۹۲، ص. ۴۴)

B) لرستان، محل نگهداری: گالری برکات (URL5)

**شکل ۲۳. گیل‌گمش در نقش ارباب پلنگ‌ها/ بزها**



جیرفت،موزهٔ ملی ایران (مجیدزاده، ۱۳۸۲، ص. ۱۱)

B) لرستان، محل نگهداری: گالری رویال آتنا نیویورک (URL11)

**شکل ۲۴. گیل‌گمش در نقش رام‌کنندهٔ گاوها/ بزها**

**مبانی تحلیل**: به‌منظور سنجش کیفیت نقش گیل‌گمش در شکل‌هایسنگ صابونی جیرفت و مفرغ‌های لرستان، فاکتورهای چهارگانه‌ای مدنظر قرار گرفتند که به ترتیب بررسی عبارت‌اند از:

الف) ویژگی‌های بصری (عناصر بصری، چهره‌پردازی، پیکرنگاری، عناصر ترکیبی، زاویهٔ دید و...)

ب) ویژگی‌های اجرایی و نحوهٔ بیان هنری (کادر-فضای محیطی، ارتباط کادر با ابزار، شیوهٔ بازنمایی، بعدپردازی و...)

ج) ویژگی‌های ساختاری (نوع ترکیب‌بندی، ارتباط پیکرنگاره با عناصر ترکیبی و...)

د) ویژگی‌های کاربردی (نوع ابزار، نوع متریال، معانی و محتوا، ارتباط نوع ابزار با متریال و محتوا و کاربرد آیینی و...)

**تحلیل آثار**

**گیل‌گمش در نقش فرمانروای شیرها**

**الف) ویژگی‌های بصری:** در جیرفت تکرار و شباهت فرم‌ها و خطوط مانند ریش پهلوان، پنجهٔ شیرها و تکرار نیم‌تنه پایین آن دو سبب ریتم شده است. پهلوان گوش و شاخ حیوانی، پیشانی تخت و کوتاه، چشمانی گرد، متعجب و باز، بینی بلند، لب‌هایی در حال خندیدن و ریش‌هایی نامنظم دارد. پیکر او کوتاه است و دست و پاهایی لاغر و بلند دارد. نیم‌تنهٔ پایین شبیه به گاو و دارای دمی بلند است. نیم‌تنهٔ بالایی پهلوان در نمای روبه‌رو و نیم‌تنهٔ پایین او و پیکر شیرها در حالت سه‌رخ ترسیم شده که در لرستان، خطوط منحنی، فرم‌هایی پیچان و مشابه ایجاد کرده است. پهلوان دارای سری بزرگ، شاخ و ابروانی به‌هم‌پیوسته، گیس‌های پیچ‌خورده، چشمانی گرد و باز، بینی بلند و دهانی خندان است. پیکر او کوتاه، دارای دستانی چسبیده به زیر شاخ و شالی بر کمر است. دامنی بر تن دارد و انگشتان پای او حیوانی و ترکیبی از انسان-شیر است. زاویهٔ دید پهلوان در نمای روبه‌روست، اما شیرها در نمای نیم‌رخ ترسیم شده‌اند.

**ب) ویژگی‌های اجرایی:** در جیرفت شیوهٔ بازنمایی پهلوان و شیرها انتزاعی است. کیفیت اجرا و نوع طراحی، خام‌دستانه و ابتدایی و بدون بعدپردازی است. از جنبهٔ تناسبات، طول سر پهلوان برابر با یک چهارم قامت اوست و دست‌ها تناسب صحیحیندارند. در لرستان شیوهٔ بازنمایی انتزاعی است و کیفیت اجرا در پیکر پهلوان، بدوی،خام‌دستانه و کودکانه و در شیرها دارای اغراق است. از جنبهٔ تناسبات، طول سر پهلوان حدود یک سوم قامت اوست. قامت شیرها دو برابر پهلوان است و بدون تناسبات طبیعت‌گرایانه ترسیم شده است. موضوع نیز در قالبی نزدیک به کادر مستطیل عمودی خلق شده است.

**ج) ویژگی‌های ساختاری:** در جیرفت پیکر پهلوان و شیرها حالتی نمایشی، ساختاری ایستا و متعادل و ترکیبی متقارن دارد. در لرستان نیز مشابه همین موارد دیده می‌شود؛ با این تفاوت که شیرها برخلاف پهلوان حرکتی پرتنش دارند.

**د) ویژگی‌های کاربردی:**تصویرسازی این دو نقشدر جیرفت، در میان انبوه نقوش حیوانی و سایر تزئینات روی جام، معنایی نمادین و اسطوره‌ای در ارتباط با قدرت پهلوان به عنوان تربیت‌کننده و فرمانروای شیرها داشته و کاربرد آن آیینی بوده است. در لرستان نیز همین موضوع روی یک بت به‌عنوان «مظهری بالاتر از انسان» تصویر شده که با مذهب مرتبط بوده است (گیرشمن، ۱۳۹۰، ص.۴۸).

**گیل‌گمش در نقش کنترل‌کنندهٔ مارها**

**الف) ویژگی‌های بصری:** در نمونهٔ جیرفت، دایره‌های منظم در دامن پهلوان و پیکر مارها و خطوط بریده‌بریده به صورت بافت در ریش، مو و پوشش به‌کاررفته و نظم عناصر موجب ریتم شده است. پهلوان سر و چشمانی بزرگ، گیس و ریش‌بلند، بینی عقابی، لب‌های بسته، گونه‌های پهن و شاخ‌هایی باریک و کوچک دارد. پیکر او کوتاه با شانه و بازوهای ورزیده است. همچنین دامنی چسبیده دارد و پاهای او نحیف و لاغر و کاملاً انسانی است. زاویهٔ دید در چهره و پاها از نیم‌رخ و در بازو و دست‌ها از روبه‌روست. مارها نیز در نمای نیم‌رخ ترسیم شده‌اند. در نمونهٔ لرستان، نقاط ریز و پراکنده در کل اثر به همراه خطوط زاویه‌دار پوشش پهلوان را تزئین می‌کنند. گونه‌های پهلوان پهن و سر او ترکیبی از انسان-پلنگ، گوش‌هایی تیز، چشم و دهانی باز و مرموز و ریشی بلند است. پیکر او کوتاه، با دست و پاهایی باز است. همچنین پوششی مجلل، مچ‌بند و کمربند و دامنی گشاد و بلند دارد. زاویهٔ دید پهلوان در نمای روبه‌روست، اما مارها به‌صورت نیم‌رخ ترسیم شده‌اند.

**ب) ویژگی‌های اجرایی:** در نمونه‌های جیرفت و لرستان شیوهٔ بازنمایی پهلوان و مارها طبیعت‌گرایانه و کیفیت اجرا و ساختار طراحی کاملاً پخته و با نظمی منطقی همراه است. همچنین تزئینی و بدون بعدپردازی است. در دو تمدن، طول سر پهلوان برابر یک چهارم قامت ایستادهٔ اوست. در لرستان هنرمند در قسمت‌هایی مانند دست‌ها توانایی خود را در بازنمایی عضلات ساعد نشان داده است. در دو تمدن، موضوع در قالبی نزدیک به کادر مستطیل عمودی خلق شده است. **ج) ویژگی‌های ساختاری:** پیکر پهلوان در نمونه‌های منتخب هر دو تمدن، ساختاری ایستا و متعادل دارد. مارها نیز در عین تعادل از پویایی و تحرک برخوردارند.

**د) ویژگی‌های کاربردی:** در نمونه‌های دو تمدن، تصویرسازی مفهومی نمادین در ارتباط با نامیرایی دارد. در جیرفت ترسیم این نقوش همراه با سایر تزئینات حاشیه روی جام معنایی آیینی دارد. در لرستان نیز سرسنجاق علاوه بر مصارف تزئینی در زندگی روزمره در عبادتگاه نیز کاربردی مذهبی داشته است.

**گیل‌گمش در نقش کنترل‌کنندهٔ عقرب‌ها/ دیوها**

**الف) ویژگی‌های بصری:** کاربرد خط در جیرفت، در پیکر پهلوان و در گیس‌ها ظریف، در سینه‌ها منحنی و در دامن او زاویه‌دار و ساده است. حرکت خط در پیکر پلنگ‌ها نرم‌تر و روان‌تر است و روی بدن او و عقرب‌ها بافتی مشابه استفاده شده است. پهلوان دارای صورتی ظریف، گیسوانی بلند و لب‌هایی بسته است. پیکر او ترکیبی از انسان-گاو است و سینه و بازوهای او ورزیده است. زاویهٔ دید صورت پهلوان و پیکر پلنگ‌ها در نمای نیم‌رخ، اما سایر قسمت پیکر پهلوان تمام‌رخ است. در لرستان خط در پیکر پهلوان مستقیم و زاویه‌دار، اما در پیکر شیرها منحنی است. دامن پهلوان و بال دیوها بافتی با جزئیات مشابه دارند. پهلوان دارای سر بزرگ، شاخ بلند، گیس آویزان و پیچان، چشمان باز، بینی کوتاه، دهان بسته، گونه‌های برجسته و حجمی و ریش و چانه‌ای باریک است. پیکری لاغر و کوتاه نیز دارد. همچنین شالی به دور گردن آویخته و دامنی تا زانو بر تن دارد. پاهای او شبیه پای پرندگان و ترکیبی از انسان-پرنده است. زاویهٔ دید پهلوان در نمای روبه‌رو و زاویهٔ دید بدن شیرها در نمای نیم‌رخ است، اما سر آنها تمام‌رخ به سمت بیننده چرخیده است.

**ب) ویژگی‌های اجرایی:** شیوهٔ بازنمایی پهلوان و عقرب‌ها در جیرفت طبیعت‌گرایانه و کیفیت اجرا و نوع طراحی، پخته و قوی است. طول سر پهلوان یک‌پنجم قامت اوست. اندازهٔ عقرب‌ها در مقایسه با پهلوان کوچک است. در لرستان شیوهٔ بازنمایی پهلوان انتزاعی است. دیوها نیز طبیعت‌گرایانه و اکسپرسیونیستی هستند. همچنین کیفیت اجرا در پرداختن به جزئیات و نوع حرکت مفصل‌ها در پنجهٔ شیرها طبیعی و با دانش همراه بوده است. طول سر پهلوان یک سوم قامت اوست. پهلوان و شیرهای بالدار در قامتی عمودی و قالبی مستطیل ترسیم شده‌اند.

**ج) ویژگی‌های ساختاری:** در جیرفت و لرستان پیکر پهلوان ساختاری ایستا، متعادل و مسلط دارد؛ با این تفاوت که در جیرفت عقرب‌ها نامتعادل و بی‌حرکت‌اند، اما شیرها برخلاف پهلوان حرکت دارند.

**د) ویژگی‌های کاربردی:** در نمونه‌های هر دو تمدن، مبارزه با موجودات موذی و شرور مفهومی اسطوره‌ای دارد؛ با این تفاوت که در جیرفت این موضوع بر جام سنگی و در لرستان روی یک لگام مفرغی ظاهر شده است.

**گیل‌گمش در نقش ارباب پلنگ‌ها/ بزها**

**الف) ویژگی‌های بصری:** در جیرفت حالت خط در پیکر پهلوان نرم و منحنی و در قسمت‌هایی مانند آرنج، انگشتان و دامن او شکسته و زاویه‌دار است. گاهی در گیس‌ها ظریف و گاهی نیز در دامن او بافتی ساده دارد. در پیکر پلنگ‌ها خط نرم‌تر است. همچنین وجود نقاط دایره‌ای روی بدن پلنگ‌هاسبب ایجاد جلوهٔ بصری شده است. پهلوان صورتی ظریف و باریک، موهایی پرحجم و بلند و شاخ و گوش حیوانی دارد. چشم‌ها درشت، بینی عقابی، لب‌ها بسته و جدی است. پیکر او در نیم‌تنهٔ بالا برهنه و دارای سرو سینه‌ای ورزیده‌تر و ترکیبی از انسان-پلنگ است. زاویهٔ دید پهلوان در حالت نیم‌رخ قرار دارد، اما سایر قسمت‌ها در نمای روبه‌رو ترسیم شده است. در لرستان کاربرد خط در پیکر پهلوان و بزها منحنی است. تکرار پاهای پهلوان و بزها در یک راستا ریتمی متناوب ایجاد کرده و شباهت فرم شاخ و پاهای پهلوان و بزها سبب هماهنگی شده است. پهلوان سری بزرگ، شاخ کلفت، گیس‌های پیچ‌خورده، چشم‌هایی گرد و بدون مردمک، بینی پهن و دهانی نیم‌باز دارد. پیکر او مانند بزها لاغر است و دارای دست‌هایی بلند، پاهایی باز و شالی آویخته بر گردن است. زاویهٔ دید پهلوان در نمای روبه‌رو و بزها در حالت نیم‌رخ است، اما سرها پیچ‌خورده به سمت بیننده و در نمای روبه‌رو قرار دارند.

**ب) ویژگی‌های اجرایی:** شیوهٔ بازنمایی پهلوان در جیرفت انتزاعی است؛ جز طراحی سینهٔ او و پلنگ‌ها که طبیعت‌گرایانه است. کیفیت اجرا و ساختار طراحی نیز متوسط است. هنرمند در قسمت‌هایی مانند سینه، دست‌ها و حالت انگشتان و طراحی پلنگ‌ها نزدیک به طبیعت عمل کرده است. از جنبهٔ تناسبات، طول سر پهلوان تقریباً برابر با یک چهارم قامت او در حالت ایستاده است. در لرستان، شیوهٔ بازنمایی پهلوان و بزها در چهره‌ها طبیعی، اما در پیکرها انتزاعی و کودکانه است. کیفیت اجرا و طراحی نیز ساده و خام‌دستانه است. بدن‌ها باریک و تناسبات و فرم دست‌های پهلوان دور از

واقعیت است. طول سر پهلوان حدود یک سوم قامت اوست. در گردن کشیدهٔ بزها نیز اغراق نمایان است.

**ج) ویژگی‌های ساختاری**: در جیرفت و لرستان پیکر پهلوان ساختاری ایستا و متعادل دارد. پلنگ‌ها و بزها برخلاف پهلوان از حرکتی چرخشی برخوردارند و در بزها تلاش برای رهایی و گریز در آنها احساس می‌شود. در دو تمدن کادر قالبی مربعی دارد.

**د) ویژگی‌های کاربردی**: اثر دارای مفهومی نمادین در ارتباط با نمایش قدرت پهلوان و بیانگر برتری نیروی او بر موجودات درنده‌خو و وحشی است.

**گیل‌گمش در نقش رام‌کنندهٔ گاوها/ بزها**

**الف) ویژگی‌های بصری**: در جیرفت، خط نرم و سبک و گاهی در گیس‌ها پرحجم نقش بسته است. دامن پهلوان و گردن گاوها بافتی مشابهی دارد. سطوح گاهی ساده و گاهی پرنقش می‌شوند. تکرار پای گاوها ریتم یکنواخت ایجاد کرده است. پهلوان جمجمه‌ای تخت، صورتی پهن، چشمانی درشت وگیس‌هایی بلند دارد. پیکر او در حالت نشسته دارای شانه و دستانی کوچک و اندامی لاغر است. نیم‌تنهٔ بالا، برهنه و نیم‌تنهٔ پایین دامنی بر تن دارد. زاویهٔ دید پهلوان و گاوها در نمای نیم‌رخ است؛ به‌جز بازوها و سینهٔ‌پهلوان که در نمای تمام‌رخ قراردارد. در لرستان تکرار خطوط منحنی و پیچان در کل اثر ترکیبی هماهنگ آفریده است. سرپهلواناهمیت بیشترباز پیکر او دارد. اوسربزرگ،چهره‌ای کشیده، شاخ و گیسی بلند و پیچان دارد. همچنین چشمانی گرد، بینی بلند و سبیل و دهانی نیمه‌باز دارد. او فاقد پیکره و چسبیده به گردن بزها تصویر شده و دست‌های باریک و بلند خود را زیرگیس‌ها قرار داده است و بزها صورت او را می‌بویند. زاویهٔ دید پهلوان در نمای روبه‌رو و بزها در نیم‌رخ ترسیم شده است.

**ب) ویژگی‌های اجرایی**: در جیرفت شیوهٔ بازنمایی پیکر پهلوان انتزاعی، اما گاوها طبیعت‌گرایانه است. کیفیت اجرا در پیکر پهلوان بدوی و خام‌دستانه و دور از طراحی صحیح است. در گاوها نیز ساختار طراحی عالی و دارای نظمی منطقی است. در لرستان شیوهٔ بازنمایی پهلوان انتزاعی و دور از واقعیت و کیفیت اجرا در طراحی ساده و خام‌دستانه بوده و پیکره ندارد.

**ج) ویژگی‌های ساختاری**: پیکر پهلوان در نمونه‌های جیرفت و لرستان، ساختاری ایستا و متعادل دارد. گاوها برخلاف او حرکتی آرام دارند. بزها نیز دارای حرکتی در گردن خود به‌سوی پهلوان هستند.

**د) ویژگی‌های کاربردی**: اثر در جیرفت مفهومی نمادین در ارتباط با توانایی پهلوان دارد و بیانگر برتری نیروی او بر موجودات قوی‌هیکل و تیزپاست. ترسیم این نقش در پایین جام و تکرار خطوط حاشیهٔ آن نقشی هنری برای مراسم آیینی داشته است. در لرستان رابطهٔ پهلوان و بز با توجه به حالت عبادی او نمادی مذهبی را تداعی می‌کند که روی میلهٔ برنزی تصویر شده است. پهلوان از طریق این حیوان که حلقهٔ اتصال بین انسان و خداست با معبود خود ارتباط برقرار می‌کند.

**تحلیل تطبیقی**

در بررسی و تطبیق ویژگی‌های نقش گیل‌گمش در آثار سنگ صابونی جیرفت و مفرغ‌های لرستان با ویژگی‌های مشابه بسیاری مواجه می‌شویم؛ هرچند تفاوت‌های بارزی نیز دیده می‌شود. این موارد به‌ترتیب وجوه تشابه و تفارق در ادامه بیان شده‌اند.

**وجوه تشابه**: درنقش گیل‌گمش با مضمون فرمانروای شیرها، هنرمند با تکرار فرم‌های مشابه میان پهلوان (گیل‌گمش) و شیرها بین آن دو ارتباط و هماهنگی ایجاد کرده است. چهره‌پردازی در هر دو تمدن اهمیت دارد و به‌گونه‌ای مشابه با نمایش سر بزرگ پهلوان، ابروهای به هم پیوسته، شاخ و چشمان باز و چهره نیز خندان است. پیکر پهلوان در دو تمدن کوتاه، برهنه، دست‌ها درحال فعالیت نمادین، شال برکمر و پایین‌تنهٔ او ترکیبی است. زاویهٔ دید نیز روبه‌روست. ویژگی مشابه دیگر شیوهٔ بازنمایی انتزاعی پهلوان و حیوانات است؛ پهلوان در هر دو تمدن ساختاری ایستا، متعادل، نمایشی ومتقارن دارد.

*در نقش گیل‌گمش کنترل‌کنندهٔ مارها*، در هر دوتمدن جیرفت و لرستان، عناصر بصری مانند نقطه و خط کاربردی تزئینی دارند. چهره پردازی‌ها با صورتی پهن و دارای شاخ و گوش حیوانی و چهره‌های جدی آمده است. در پیکرنگاری، دست‌ها در حال کنترل و پاها از جنبهٔ فرمی شبیه به هم و تابع حالات دست‌ها هستند. پوشش پهلوان در هر دو تمدن، اشرافی و مجلل است. بازنمایی پهلوان، به جز در صورت و دست‌ها که قوی و دارای عضله هستند انتزاعی است. مارها با زاویهٔ دید مشابه و طبیعی‌تر از پهلوان ترسیم شده‌اند.

*در نقش گیل‌گمش کنترل‌کنندهٔ عقرب‌ها و دیوها*، شباهت‌های بصری مانند تکرار نقوش در پیکر حیوانات و دامن و کمربند پهلوان دیده می‌شود و عناصر تزئینی مانند گردنبند، شال و فرم‌هایی دایره‌ای بر لگن پهلوان و قسمت میانی او جلوهٔ بصری مشابهی ایجاد کرده است. در دو تمدن، چهره جدی، گیس بلند،

دست‌ها فعال و پاها ترکیبی و تابع حرکت دست‌ها هستند. بازنمایی حیوانات در دو منطقه طبیعت‌گراست. ساختار طراحی در دو تمدن نظم و منطق دارد. از جنبهٔ ترکیب‌بندی، پهلوان در دو تمدن، ایستا، متعادل و متقارن است.

*در نقش گیل‌گمش ارباب پلنگ‌ها و بزها* هنرمند با تکرار بخشی از اعضای بدن حیوان در پیکر پهلوان نوعی ارتباط بصری میان آن دو به وجود آورده است (مانند تکرار پنجه‌ها، شاخ‌ها و پای بزها). چهره و پیکر پهلوان در دو تمدن دارای شاخ، گیس بلند، بینی پهن، دست‌های فعال و پاهایی مرکب از حیوانات طرفین است. در نمونه‌های دو تمدن، پهلوان ایستا و متعادل و نقش او و حیوانات در یک قامت تصویر شده است.

*در نقش گیل‌گمش رام‌کنندهٔ گاوها و بزها*، در نمونه‌های دو تمدن، خط و فرم ظریف، صورت پهلوان پهن با بینی کشیده و گیسوانی بلند آمده است. در هر دو منطقه، چهره و دست‌ها اهمیت بیشتری دارند و دست‌ها حسی درونی و آرام به بیننده منتقل می‌کنند. بین چهرهٔ پهلوان و حیوانات ارتباطی دوستانه و نزدیک احساس می‌شود. زاویهٔ دید حیوانات نیم‌رخ ترسیم شده و بازنمایی پهلوان انتزاعی و طراحی خام‌دستانه است. پیکر پهلوان ایستا و حیوانات دارای حرکتی آرام و درونی و احساسی شاعرانه هستند.

**وجوه تفارق:** *در نقش گیل‌گمش فرمانروای شیرها* در لرستان، پهلوان از قامت شیرها کوچک‌تر است. شیرها نیز پرتحرک‌تر از جیرفت و در حال غرش در صورت یدیگرند. تفاوت دیگر در ساختار منظم‌تر و تقارن دقیق‌تر اثر لرستان در مقایسه با جیرفت است.

*در نقش گیل‌گمش کنترل‌کنندهٔ مارها* در جیرفت مارها بزرگ‌تر از پهلوان و در لرستان کوچک‌تر از او هستند. تفاوت دیگر در زاویهٔ دید روبه‌رونمایی در لرستان در مقایسه با اصل تقابل جیرفتی است. شیوهٔ اجرا در جیرفت منظم‌تر است. در لرستان برخلاف پیکر کاملاً انسانی جیرفت، پهلوان ترکیبی از انسان-پلنگ است. در جیرفت نیز برخلاف لرستان سر بی‌تفاوت به بیننده به جهت چپ چرخیده است.

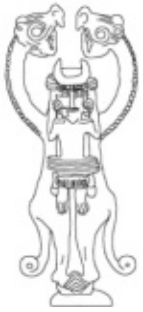
*در نقش گیل‌گمش کنترل‌کنندهٔ عقرب‌ها و دیوها* در جیرفت چهرهٔ گیل‌گمش شاخ و ریش ندارد در مقایسه با بدن ظریف و سبک است، اما در لرستان سر بزرگ و سنگین و دارای شاخ وریش است. پیکر گیل‌گمش در جیرفت عضلانی‌تر، و رزیده‌تر، طبیعی‌تر و سنگین‌تر از همین نقش در لرستان است. زاویهٔ دید در جیرفت، به‌جز در سینه و بازوها نیم‌رخ است، اما در لرستان تمام‌رخ ترسیم شده است. عقرب‌ها برخلاف دیوهای پرتحرک لرستان درنمای پشت، حالتی خنثی دارند.

*در نقش گیل‌گمش ارباب پلنگ‌ها و بزها* در جیرفت ظرافت و تزیینات نمایان‌تر است. در جیرفت چهره متوجه حیوانات، اما در لرستان متوجه بیننده است. پیکر پهلوان در جیرفت پهن‌تر و ورزیده‌تر است. در لرستان زاویهٔ دید تقریباً تمام‌رخ به‌جز پیکر بزهاست، اما در جیرفت حیوانات و پهلوان در نیم‌رخ و پیکر تمام‌رخ ترسیم شده‌اند. در جیرفت شیوهٔ بازنمایی انسان و حیوان طبیعی، اما در لرستان انتزاعی و با اغراق همراه است. حیوانات در جیرفت تحرک بیشتری دارند.

*در نقش گیل‌گمش رام‌کنندهٔ گاوها و بزها*در جیرفت تفاوت در بافت و ریتم بیشتر مشاهده می‌شود. چهرهٔ پهلوان در لرستان علاوه بر شاخ، سبیل و ریش نیز دارد. در جیرفت دستان پهلوان گردن گاوها را لمس کرده، اما در لرستان در زیر گیس‌ها و نیایشی است. در لرستان برخلاف جیرفت نیم‌تنهٔ پایین وجود ندارد. زاویهٔ دید پیکر پهلوان در لرستان به‌صورت تمام‌رخ، اما در جیرفت به دو صورت نیم‌رخ و تمام‌رخ (بازو و سینه) رسم شده است. گاوها در جیرفت هیاکلی طبیعی‌تر و طراحی منسجم‌تری دارند (جدول ۱).

**جدول ۱. تحلیل تطبیقی نقش گیل‌گمش در آثار سنگ صابونی جیرفت و مفرغ‌های لرستان**

| | | آثارسنگ صابونی جیرفت | مفرغ‌های لرستان |
|---|---|---|---|
| گیل‌گمش در نقش فرمانروای شیرها | ویژگی‌های بصری | فرم‌ها منحنی، شکسته، مشابه و دارای ریتم، پهلوان خندان، دارای شاخ، ریش و پیکر لاغر،دست‌ها بلند و پاها ترکیبی از انسان-گاو، زاویهٔ دید تمام‌رخ و سه‌رخ | فرم‌ها منحنی و کشیده و مستقیم، پهلوان خندان، دارای شاخ، گیس و دامن بلند، پیکر او کوتاه، دست‌ها باز و پاها ترکیبی از انسان-شیر، زاویه دید پهلوان تمام‌رخ و شیرها نیم‌رخ |

| | | آثارسنگ صابونی جیرفت | مفرغ‌های لرستان |
|---|---|---|---|
|  نمونهٔ جیرفت | ویژگی‌های اجرایی | کادر مستطیل عمودی، شیوهٔ بازنمایی انتزاعی و طراحی خام‌دستانه و بدون تناسبات و بعدپردازی، پهلوان و شیرها در یک قامت | کادر مستطیل عمودی،شیوهٔ بازنمایی انتزاعی و طراحی خام‌دستانه و همراه با اغراق و بعدپردازی،پهلوان کوچک‌تر از شیرها |
| | ویژگی‌های ساختاری | پهلوان و شیرها ایستا، متعادل، نمایشی و با ترکیب متقارن | پهلوان ایستا و متعادل، شیرها پرتحرک و پرتنش و ترکیب متقارن و منظم |
|  نمونهٔ لرستان | ویژگی‌های کاربردی | تصویرگری روی جام سنگی ودارای معانی نمادین و آئینی | تصویرگری روی بت مفرغی و دارای معانی نمادین و مذهبی |
| گیل‌گمش در نقش کنترل‌کنندهٔ مارها  نمونهٔ جیرفت | ویژگی‌های بصری | نقطه وخط تزئینی، متنوع، ظریف و منظم و دارای ریتم. سطوح تفکیک‌شده، پهلوان دارای صورت پهن و بزرگ، شاخ، ریش و گیس و پیکر کوتاه، دست‌ها فعال، پوشش اشرافی، دامن بلند و تزئینی، سینه و بازوی پهلوان تمام‌رخ، سایر قسمت‌ها نیم‌رخ | نقطه و خط تزئینی، پراکنده و نامنظم و زاویه‌دار، چهرهٔ پهلوان حیوانی، دارای کلاه، ریش و پوشش اشرافی، دامن بلند، زاویهٔ دید پهلوان تمام‌رخ و مارها نیم‌رخ |
| | ویژگی‌های اجرایی | کادر مستطیل عمودی، بازنمایی پهلوان و مارها آرمان‌گرا و طبیعت‌گرا و تزئینی و طراحی منظم و منسجم، دست‌ها دارای تناسب صحیح، بدون بعدپردازی، مارها بزرگ‌تر از پهلوان | کادر مستطیل عمودی، شیوهٔ بازنمایی پهلوان طبیعت‌گرا و خوفناک و مارها طبیعی، ساختار طراحی و شیوهٔ اجرا متوسط و منظم، دست‌ها دارای تناسب صحیح، بدون بعدپردازی و پهلوان بزرگ‌تر از مارها |
|  نمونهٔ لرستان | ویژگی‌های ساختاری | پهلوان ایستا و متعادل، مارها پرتحرک، جزئیات، بافت، ریتم و حرکت دارای اهمیت | پهلوان ایستا و متعادل، مارها پرتحرک |
| | ویژگی‌های کاربردی | تصویرگری روی جام سنگی و دارای مفهومی اسطوره‌ای و کاربردی آیینی | تصویرگری روی سرسنجاق مفرغی و دارای معنایی نمادین، مذهبی و دارای کاربردی تزئینی |
| گیل‌گمش در نقش کنترل‌کنندهٔ عقرب‌ها/ دیوها  نمونهٔ جیرفت | ویژگی‌های بصری | خط منحنی، حیوانات پرنقش، صورت پهلوان ظریف، گیس بلند، پیکر سنگین و ترکیبی شبیه به گاو، دست‌ها در حال فعالیت، زاویهٔ دیدپهلوان نیم‌رخ، دست‌ها و سینه تمام‌رخ، عقرب‌ها خنثی و درنمای پشت | خط زاویه‌دار و مستقیم و منحنی، حیوانات پرنقش، پهلوان دارای شاخ، گیس بلند و ریش، پیکر او کوتاه، دارای دست‌هایی باریک و فعال،دامن بلند، ترکیبی از انسان-پرنده، دیوها ترکیبی از شیر بالدار، زاویهٔ دیدپهلوان روبه‌رو و شیرها نیم‌رخ به‌جز سر آنها در حالت تمام‌رخ |
| | ویژگی‌های اجرایی | کادر مربع، شیوهٔ بازنمایی پهلوان آرمانی و طبیعت‌گرا ساختار طراحی نظام‌مند و عالی، عقرب‌ها نزدیک به واقعیت، پهلوان بزرگ‌تر از عقرب‌ها | کادر مستطیل افقی، شیوهٔ بازنمایی پهلوان انتزاعی،شیرها اکسپرسیو و دارای اغراق، ساختار طراحی دقیق و عالی دارای بعدپردازی و پهلوان و دیوها در یک قامت |
| | ویژگی‌های ساختاری | پهلوان ایستا، متعادل، عقرب‌ها ایستا و نامتعادل | پهلوان ایستا و متعادل و شیرها نمایشی، پرتحرک و هیجانی |

| | | آثارسنگ صابونی جیرفت | مفرغ‌های لرستان |
|---|---|---|---|
|  نمونه لرستان | ویژگی‌های کاربردی | تصویرگری روی جام سنگی، دارای معنایی نمادین در رابطه با کنترل موجودات شرور و دارای کاربردی آئینی | تصویرگری روی لگام مفرغی، دارای معنایی نمادین در ارتباط با مرگ و باورهای شان در رابطه با کنترل موجودات موذی |
| گیل‌گمش در نقش ارباب پلنگ‌ها/ بزها  نمونهٔ جیرفت | ویژگی‌های بصری | در پیکر پهلوان خط منحنی و زاویه‌دار و ظریف، بافت دایره در پیکر پلنگ‌ها،پهلوان دارای شاخ، گیس و دست‌های فعال، دامن بلند و پاها ترکیبی از انسان-پلنگ، زاویهٔ دید پهلوان تمام‌رخ، سر او و پلنگ‌ها نیم‌رخ | خط و فرم‌ها در پیکر پهلوان و بزها منحنی، پهلوان دارای شاخ و گیس بلند و پاها ترکیبی از انسان-بز، زاویهٔ دید پهلوان در نمای روبه‌رو، بزها در حالت نیم‌رخ و سر پهلوان در حالت سه‌رخ |
| | ویژگی‌های اجرایی | کادر مربع، شیوهٔ بازنمایی پهلوان و پلنگ‌ها طبیعت‌گرا و ساختار طراحی منسجم، پهلوان و پلنگ‌ها در یک قامت | کادر مربع، شیوهٔ بازنمایی پهلوان و بزها انتزاعی و ساختار طراحی خام‌دستانه و بزها دارای اغراق و طنزی کودکانه، پهلوان و بزها در یک قامت |
|  نمونهٔ لرستان | ویژگی‌های ساختاری | پهلوان ایستا، متعادل و نمایشی و پلنگ‌ها پرتحرک | حالت پهلوان ایستا وکمی دارای حرکت، اما بزها پرتحرک |
| | ویژگی‌های کاربردی | تصویرگری روی جام سنگی و دارای معنایی اسطوره‌ای برای نمایش قدرت پهلوان | تصویرگری روی لگام مفرغی و دارای معنایی اسطوره‌ای برای نمایش قدرت پهلوان |
| گیل‌گمش درنقش رام‌کنندهٔ گاوها/ بزها  نمونهٔ جیرفت | ویژگی‌های بصری | خط در بدن پهلوان ساده و منحنی، در گاوها ممتد، زاویه‌دار و منقطع برای ایجاد بافت، پهلوان دارای صورتی پهن، گیس بلند، دستانی فعال، دامنی بلند، زاویهٔ دیدپهلوان و گاوها در حالت نیم‌رخ به‌جز سینه و بازوهای پهلوان که تمام‌رخ است. | خط و فرم منحنی، چهرهٔ پهلوان کشیده، شاخ و گیس بلند، دارای سبیل، دست‌ها فعال، فاقد پیکره، زاویهٔ دید پهلوان روبه‌رو و بز نیم‌رخ |
| | ویژگی‌های اجرایی | کادر مستطیل افقی،شیوهٔ بازنمایی پهلوان انتزاعی و ساختار طراحی خام‌دستانه، اما گاوها رئالیستی و دارای ساختاری مستحکم و منظم، پهلوان کوچک‌تر از گاوها | کادر مربع، بازنمایی پهلوان و بزها انتزاعی و بدون تناسب و شیوهٔ طراحی خام‌دستانه |
|  نمونهٔ لرستان | ویژگی‌های ساختاری | پهلوان نشسته، دارای تعادل و بدون حرکت، اما گاوها دارای حرکتی درونی | پهلوان ایستا و متعادل، حیوان دارای حرکت |
| | ویژگی‌های کاربردی | تصویرگری روی جام سنگی و دارای مفهومی نمادین و کاربردی آیینی | تصویرگری روی میله مفرغی و دارای کاربردی مذهبی |

## نتیجه‌گیری

نقش پهلوان حیوانات که به گیل‌گمش معروف است، به‌وفور در تمدن جیرفت با قدمت ۳ تا ۵ هزار سال ق.م روی ظروف سنگی و در لرستان با قدمت یک تا دو هزار سال ق.م روی لگام‌ها، تیردان‌ها، بت‌ها، سرسنجاق‌ها، حلقه‌ها و میله‌های برنزی تصویرسازی شده است. نتایج مطالعات تحلیلی-تطبیقی نقوش منتخب دو تمدن در موضوعات مشابه نقش گیل‌گمش (به‌عنوان فرمانروای شیرها،کنترل‌کنندهٔ مارها،کنترل‌کنندهٔ عقرب‌ها و دیوها، ارباب پلنگ‌ها و بزها و رام‌کنندهٔ گاوها و بزها) رانشان می‌دهد. گیل‌گمش در هر دو تمدن به‌صورت انسان کامل یا موجودی ترکیبی به شکل انسان-گاو، انسان-شیر، انسان شاخ‌دار، انسان-پلنگ و انسان-بز ترسیم شده و ساختاری ایستا، متعادل متقارن و نمایشی دارد. سر او بزرگ‌تر و برجسته‌تر

از قامت کوتاه اوست. دستانی در حال انجام فعالیتی نمادینه دارد که گاهی در حال نزاع و کنترل و گاهی در حال مهربانی و فراخوانی هستند. چهره و پیکر او، ویژگی‌های مشابهی از جمله شاخ، گیس بلند، ریش، کمربند و دامن داردو به شیوهٔ هنری اسطوره‌ای، مافوق طبیعی و تخیلی تصویرسازی شده است. در دو تمدن هنرمند در طراحی حیوانات شناخت بهتری داشته و نزدیک به طبیعت عمل کرده است. همچنین نسبت به پهلوان تحرک بیشتری داشته است. ترسیم تصاویر، نمادین و اسطوره‌ای بوده، با این تفاوت که در لرستان با عبادت و مذهب و باورهای پس از مرگ بیشتر مرتبط بوده است. وجوه افتراقی دیگری نیز دیده می‌شود، از جمله در جیرفت پهلوان لب‌هایی بسته وچهره‌ای مغرور دارد و فشار واردشده هنگام ستیز در آنها احساس می‌شود. پیکر او سنگین، پهن و نیرومند است، اما در لرستان نگاه عمیق و لب‌های نیمه‌باز او گویی درحال زمزمهٔ سخنی مذهبی با معبود خویش است که نیروی خود را برای او نشان می‌دهد. زاویهٔ دید پهلوان در لرستان برخلاف جیرفت همیشه در نمای روبه‌رو ترسیم می‌شود. در جیرفت پهلوان و حیوانات حالتی کلاسیک و چهره‌ای آرام دارند، اما در لرستان چهره‌ها پرتنش و حالتی اغراق‌آمیز دارند. در مفرغ‌های لرستان، پهلوان و حیوانات به یکدیگر اتصال یافته و پهلوان جزئی جدایی‌ناپذیر از حیوان است، اما در جیرفت هنرمند با ایجاد بافت در بدن حیوانات تفاوتی در مقام آن دو ایجاد کرده تا بیننده از جنبهٔ بصری آن دو را با توجه به جایگاهشان از یکدیگر متمایز کند. در آثار جیرفت برخلاف لرستان گاهی سر حیوانات رو به پایین است. در جیرفت بازنمایی پیکر پهلوان به دو شیوهٔ طبیعت‌گرا و انتزاعی ترسیم شده و ساختار طراحی منسجم و مستحکم است، اما در لرستان انتزاعی و اکسپرسیونیستی و ساختارطراحی ساده، خام دستانه وکودکانه است.

در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که بین نقش گیل‌گمش در دو تمدن جیرفت و لرستان، از جنبهٔ ساختاری و محتوایی ارتباط نزدیکی وجود دارد که نشان می‌دهد این دو شناخت مشترکی از اسطورهٔ گیل‌گمش داشته و این اسطوره در زندگی و باورهای آنها حضور داشته است. نقش گیل‌گمش در دو تمدن به شکل مردی شاخ‌دار و ترکیبی با دستانی باز درمیان حیواناتی مانند شیر، مار، عقرب، دیو، پلنگ، گاو و بز و با ترکیبی متقارن و متعادل قرار گرفته است. وظیفهٔ او در این نقوش، کنترل و تسلط بر موجودات قوی و شرور و حمایت از حیوانات مفید است. وجوه تمایز دو منطقه در نحوهٔ برخورد منطقی و احساسی هنرمندان است. گیل‌گمش در جیرفت حالتی جدی، اسطوره‌ای و نیرومندانه، برون‌گرا و آرمانی دارد، اما در لرستان، بدوی، اکسپرسیو، موهوم، متعجب و خندان، پریشان، درون‌گرا، لاغراندام و مذهبی است. بازنمایی نقش گیل‌گمش در دو تمدن باستانی جیرفت و لرستان، با وجود فاصلهٔ زمانی و مکانی بسیار، از سرچشمهٔ فکری و فرهنگی واحدی سیراب شده که با وجود تفاوت‌های موجود در شیوهٔ بازنمایی، تشابهات بسیاری را نشانمی‌دهد. این نظریه آغازگر مطالعات جدیدی است که قابلیت گسترش آن را با تمرکز بر حوزه‌های فکری و تخصصی علوم مختلف مطرح می‌کند.


## سپاسگزاری

نویسندگان از تمامی کسانی که آنها را در نوشتن این مقاله یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

## منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.


## تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

## References


Ghirshman, R. (1950), Iranian Notes IV, The Treasury of Sakkez, the origins of the Art Mede and the bronzes of Luristan, Artibus Asiae, Vol, 13, No. 3, pp. 181-206.

(https://www.jstor.org/stable)
https://www.jstor.org/stable/3248503?read-now=1&refreqid=excelsior%3A5983797f61366873bfb01cad84598e89&seq=16#page_scan_tab_contents

URL1-
http://blog.sina.com.cn/liangjianzhou(kboehmer@uchicago.edu).

URL 2- www.vitatrentina.it.

URL 3-www.arretetonchar.fr.

URL4-
www.benedante.blogspot.co.il(georgeanavian@gmail.com).

URL9- www.metmuseum.com.

URL10- www.metmuseum.org.

URL11- www.royalathena.com(mail@royalathena.com).

اسمیت، جرج (۱۳۸۳). *افسانهٔ گیل‌گمش کهن‌ترین حماسهٔ بشری*. ترجمه به آلمانی: جورج بورکهارت. ترجمهٔ فارسی: داوود منشی‌زاده. چاپ اول. تهران: اختران.

بلان، یانیک (۱۳۸۴). *پژوهش در ناگزیری مرگ گیل‌گمش*. ترجمهٔ جلال ستاری. تهران: نشر مرکز.

پاک‌باز، رویین (۱۳۹۳).*نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات زرین و سیمین.

پیران، صدیقه (۱۳۹۲). *آثار گنجینهٔ جیرفت، اشیای سنگ صابونی و سنگ مرمر در حاشیهٔ هلیل‌رود*. چاپ اول. تهران: پازینه.

داتی، ویلیام(۱۳۹۲). *اساطیر جهان*. ترجمهٔ ابوالقاسم اسماعیل‌پور. چاپ اول. تهران: نشر اسطوره.

دیاکونوف، ایگور میخایلوویچ (۱۳۹۰). *تاریخ ماد*. ترجمهٔ کریم کشاورز. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۲). جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق. *مجلهٔ نامهٔانسان‌شناسی*، ۱ (۴)، ۲۰۸-۱۹۷.

طاهری، صدرالدین (۱۳۹۱). کهن‌الگوی شیر در ایران، میان‌رودان و مصر باستان. *هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی*،(۴۹)، صص ۹۳-۸۳.

علایی، علی‌اکبر (۱۳۴۵). اشیای مفرغی لرستان. *هنر و معماری: هنر و مردم*. (۴۵ و ۴۶)، ۴۵-۳۹.

القاصی، رشنواد (۱۳۹۱). *زاگرس‌نشینان از دوران کهن تاکنون*. چاپ اول. تهران: نشر گستران بهاره.

کالیکان، ویلیام (۱۳۸۴). *باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها*. ترجمهٔگودرزاسعد بختیار. چاپ اول. تهران: پازینه.

کریمی، بهمن (۱۳۵۵). صنعت و تمدن کاسی‌ها، برنز لرستان. *گوهر*. (۴۰)، ۳۶۶-۳۵۵.

کوپر، جی سی (۱۳۷۹). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*. ترجمهٔ ملیحه کرباسیان. تهران: فرشاد.

URL5- store.barakatgallery.com(contact-form@barakatgallery.com).

URL6-www.pinterest.bronze lorestan.com. (info@glyptoteket.dk).

URL7-www.metmuseum.org.

کورتیس، جان (۱۳۸۷). *ایران باستان به روایت موزهٔ بریتانیا*. ترجمهٔ آذر بصیر. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

گاردنر، هلن (۱۳۹۱). *هنر در گذر زمان*. ترجمهٔمحمدتقی فرامرزی. چاپ پنجم. تهران، نشر آگاه.

گری، جان (۱۳۷۸). *اساطیر خاور نزدیک*. ترجمهٔ باجلان فرخی. چاپ اول. تهران: اساطیر.

گیرشمن، رومن (۱۳۸۸). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمهٔ محمد معین. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

گیرشمن، رومن(۱۳۹۰). *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی*. ترجمهٔ عیسی بهنام. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۲). *جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق*. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

مجیدزاده، یوسف و میری، محمدرضا (۱۳۹۲). *باستان‌شناسی حوزهٔ هلیل‌رود جنوب شرق ایران. جیرفت*. چاپ اول. تهران: مؤسسهٔتألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.

مرزبان، پرویز (۱۳۹۱). *خلاصهٔ تاریخ هنر*. چاپ هجدهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

معصومی،غلامرضا (۱۳۴۸). باستان‌شناسیساغرهای مفرغی لرستان. *مجلهٔبررسی‌های تاریخی*،(۲ و ۳)،۴۴-۲۱.

مک‌کال، هنریتا (۱۳۷۳). *اسطوره‌های بین‌النهرینی*. ترجمهٔ عباس مخبر. چاپ اول تهران: نشر مرکز.

ناهوکو، تاواراتانی(۱۳۸۵).*ادبیات تطبیقی مار و کاج (سمبل‌های جاودان در ادبیات فارسی و ژاپنی)*. تهران: بهجت.

هال، جیمز (۱۳۹۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمهٔ رقیه بهزادی. چاپ پنجم. تهران: فرهنگ معاصر.

همایون فرخ،رکن‌الدین (۱۳۴۶). ایران مهد تمدن جهان. *بررسی‌های تاریخی*،۲(۳ و ۴)،۲۶۲-۲۰۵.

یوسفیان کناری، محمدجعفر و طاووسی، محمود (۱۳۸۸). کاوشی نوین در سرچشمه‌های نخستین حماسهٔ گیل‌گمش. *مجلهٔ متن شناسی ادب فارسی*،(۴)، ۱۸-۱.